



کد خبر: ۱۱۳۱۳۰

شنبه ۱ تیر ۱۳۹۸ ۱۲:۲۸

مؤسسه پورتلند منتشر کرد:

رتبه‌بندی جهانی قدرت نرم

مؤسسه پورتلند در مقاله‌ای با عنوان «۳۰ قدرت نرم؛ رتبه‌بندی جهانی قدرت نرم» تلاش کرده تا تصویری روشن از وضعیت قدرت نرم جهانی ارائه دهد.

در پیشگفتار این مقاله آمده است:

قدرت جهانی در حال دگرگونی بوده و هر امر ثابت به سرعت از شکل دیرینه‌اش فاصله می‌گیرد. قدرت سیاسی و اقتصادی به تدریج از غرب به شرق و از دولت‌ها به بازیگران مدنی منتقل می‌شود. چالش‌ها و فرصت‌ها به ندرت درون مرزهای ملی محدود می‌شود زیرا برخلاف گذشته زور و اجبار جای خود را به همکاری داده است.

در این دنیای آشفته، پیچیده و چندقطبی، محدودیت‌های قدرت سخت- استفاده از زور، ارباب، تحریم یا تشویق- بیش از پیش نمایان تر می‌شود. از سویی دیگر، مفهوم قدرت نرم- استفاده از ابزار جذب و متقاعدسازی برای نیل به اهداف- از دنیای دانشگاهی به صفحه اول روزنامه‌ها و نطق رجال سیاسی کشیده شده است.

با این حال، استفاده هرچه بیشتر از قدرت نرم نیازمند درک و شناخت عمیق‌تری است. اغلب، قدرت نرم را به اشتباه به همه اشکال رفتاری غیر از قدرت نظامی تعمیم داده و بدین‌سان آن را یک راهکار اخلاقی صرف دانسته‌اند. با این حال، این قدرت را می‌توان در جهت اهداف درست یا همانند هیتلر، استالین و مائو به‌طور نادرستی به کار گرفت. قدرت نرم گزینه‌ای میان واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی نیست بلکه صرفاً شکل دیگری از قدرت برای نیل به نتایج مورد نظر است.

این قدرت گاهی مورد تردید شکاکین قرار می‌گیرد که مدعی‌اند چیزی فراتر از یک نظریه مرسوم دانشگاهی نیست، با این حال، هرچند نامش تازه بر سر زبان‌ها افتاده قدمتی به اندازه کل تاریخ بشری دارد. مفهوم قدرت نرم در این دیدگاه لائوتسه نهفته است که می‌گوید بهترین شکل رهبری نه فرمانبرداری و انقیاد مردم از فرمانده، بلکه احساس مردم از حضور تقریباً نامحسوس اوست.

تلاش‌های بلندمدت فرانسه در گذر قرن‌ها برای گسترش زبان و فرهنگ خود، قدرت این کشور را شکل داد. همین قدرت نشان می‌دهد که حتی اگر فرانسه قابلیت‌های گذشته‌اش را نداشته باشد، زبانش هنوز زبان دیپلماسی است. دیپلماسی جاز آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم گامی در تقویت طرح مارشال بوده که تلاشی ضمنی برای برانگیختن حس محبوبیت و قدرت نرم محسوب می‌شود.

حتی آن‌هایی که نقش قدرت نرم را برای تحقق سیاست خارجی می‌پذیرند، اغلب مشکلاتی را که از ادغام مؤثر آن با استراتژی ملی ناشی می‌شود کم‌اهمیت تلقی می‌کنند. این قدرت شاید در مقایسه با قدرت اقتصادی و نظامی مطلوب‌تر و کم‌خطرتر ظاهر شود، اما به‌کارگیری آن دشوار و از دست دادنش راحت و بازسازی آن بسیار هزینه‌بر است.

پیامدهای قدرت نرم را باید در شکل مطلوب به ثمر رساند، نه مانند رهیافت قدرت سخت که مبتنی بر اجبار است. هرچند بازدهی سریع سرمایه مد نظر باشد، پیامدهای اهرم قدرت نرم در بلندمدت خود را نشان می‌دهد. ابزار قدرت نرم، به‌طور کامل تحت نظارت دولت‌ها نیستند فرهنگ و ارزش‌ها به جوامع تعلق دارد. استفاده موفقیت‌آمیز از قدرت نرم به باورپذیری بستگی دارد. اگر دولت‌ها رویه فریبکارانه اتخاذ کنند و اطلاعات به‌مثابه تبلیغات نگریسته شود، اعتماد از بین می‌رود. بهترین تبلیغات فقدان تبلیغات است.

لازم است که حدود قدرت نرم را خوب از هم تشخیص دهیم. برای مثال به‌راحتی نمی‌توان تشخیص داد که بحران فعلی سوریه را چگونه می‌توان با قدرت نرم حل و فصل کرد اما به این معنا نیست که قدرت نرم را نباید واقعاً قدرت به حساب آورد. این دیدگاه برخی منتقدان است که قدرت نرم را قدرت واقعی نمی‌دانند. همه اشکال قدرت دارای محدودیت هستند. اگر اهداف سیاست خارجی، ارتقای دموکراسی، حقوق بشر و آزادی باشد در آن موقع قدرت نرم از قدرت سخت برتر است. در دوره‌ای که با گسترش اطلاعات و توزیع قدرت نمایان‌تر می‌شود، قدرت نرم بیش‌ازپیش به مؤلفه مهمی از استراتژی سیاست خارجی کارآمد بدل خواهد شد.

با این حال، دولت‌ها برای اینکه قدرت نرم را در نیل به اهداف گسترده‌تر سیاست خارجی به‌کارگیرند باید قبل از هر چیز، منابع مورد استفاده خود را بشناسند و تشخیص دهند که این منابع در کجا می‌تواند کارایی نشان دهند. تاکنون دولت‌ها، اقدامات را بیشتر در حد حدس و گمان و به‌صورت شهودی انجام داده‌اند بی‌آنکه اندک فرصتی برای مقایسه منابع یا قابلیت‌های خود پیدا کنند و یا حتی کارایی و عملکرد خود را بیازمایند. طرح مطالعاتی پیش روی گامی ستودنی برای عبور از این موانع خواهد بود.

پژوهش حاضر مبتنی بر فعالیت‌های بلندمدت نگارنده در بسط نظریه‌پردازی مفهوم قدرت نرم است، کوشیده هر کدام از کشورها را با در نظر گرفتن آمار عینی و داده‌های نظرسنجی بین‌المللی، مورد ارزیابی قرار دهد. نتیجه پژوهش، تصویر بسیار روشنی از وضعیت قدرت نرم جهانی به دست می‌دهد که می‌تواند حوزه تحقیق در قدرت نرم را بسط دهد، به گمانم تحقیق حاضر می‌تواند در جهان، زمینه اندیشیدن درباره سرمایه‌های گوناگون را هموار سازد.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این مقاله، روی لینک زیر کلیک کنید.